

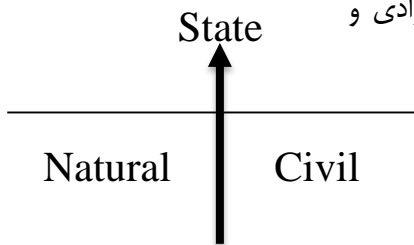
«نظریه های مختلف در امنیت داخلی»

استاد: جناب آقای افتخاری

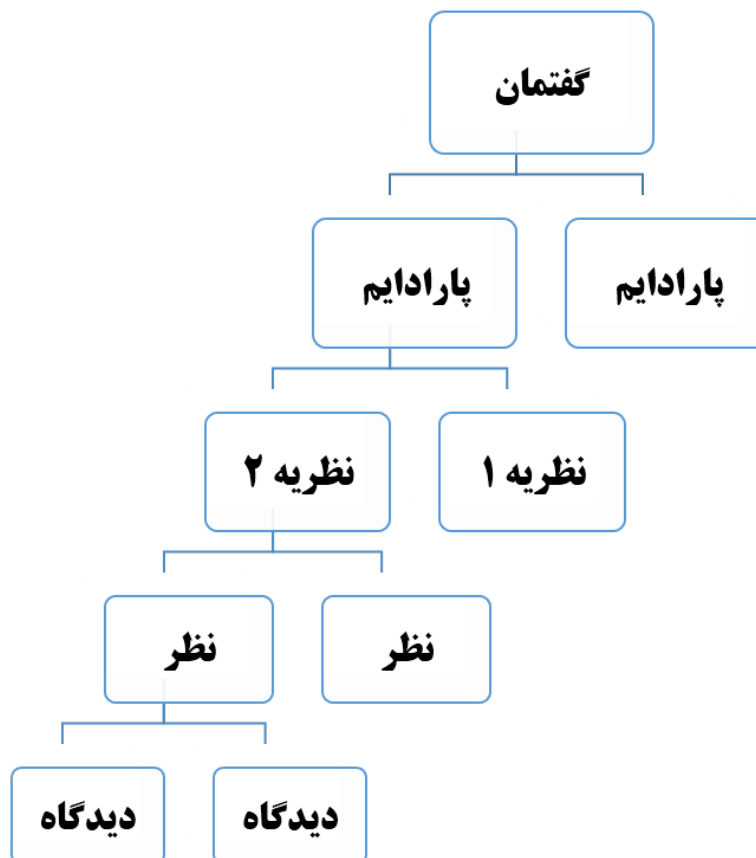
ریشه شناسی واژه ی امنیت و اهمیت آن:

واژه ی امنیت از دیدگاه تاریخی همواره وجود داشته و به کار رفته اما کم تر به تعریف آن پرداخته شده چرا که بدیهی انگاشته می شده. در داستان آفرینش و هبوط آدم نیز می توان ردپای موضوع امنیت را بازیافت؛ (و قلنا اهبطوا منها بعضکم لبعض عدو و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین) واژگانی چون دشمن در ادبیات امنیت قابل بحث است.

در تاریخ شکل گیری دولت می توان امنیت را به عنوان یکی از برجسته ترین شاخص های ایجاد دولت در گذار از حالت طبیعی (Natural) به حالت مدنی (Civil) باز شناخت. مردم در میان دو گانه ی آزادی و امنیت، امنیت را برگزیده و با تشکیل دولت و محدودسازی آزادی به وسیله ی دولت، پیاده سازی خدمات عمومی به عنوان کارویژه ی دولت را هدف قرار دادند که برجسته ترین مصداق این خدمات عمومی امنیت است.

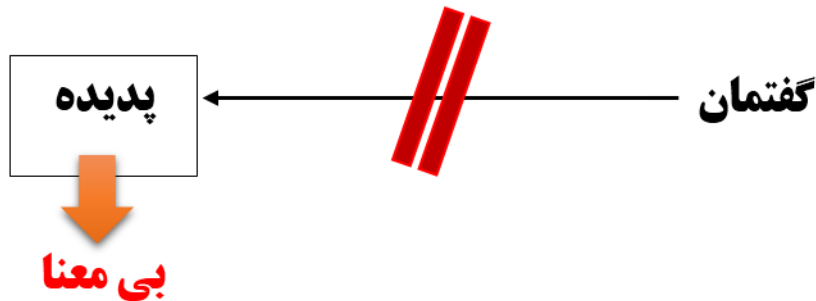


سلسله تعاریف مقدماتی:



۱. **گفتمان:** مجموعه ای از گزاره های منطقی که به گونه ای معنادار به یکدیگر پیوسته اند و تولید معنا می کنند. مانند گفتمان اسلام سیاسی.

نکته ی قابل توجه آن است که اگر پیوند میان پدیده و گفتمان بریده شود پدیده معنای خود را از دست می دهد؛ پدیده ها در قالب گفتمان ها معنا می یابند برای نمونه پدیده ی کشته شدن در جنگ در گفتمان اسلامی شهادت معنا می دهد.



۲. **پارادایم (الگوی سرمشق):** مجموعه ای از گزاره های منطقی که الگوهای معینی را برای تولید یک رفتار مشخص ایجاد می کنند. مانند الگوی سرمشق ولایت فقیه در گفتمان اسلام سیاسی؛ نکته ی قابل توجه آن است که پارادایم ها در قالب گفتمان ها معنا می یابند.

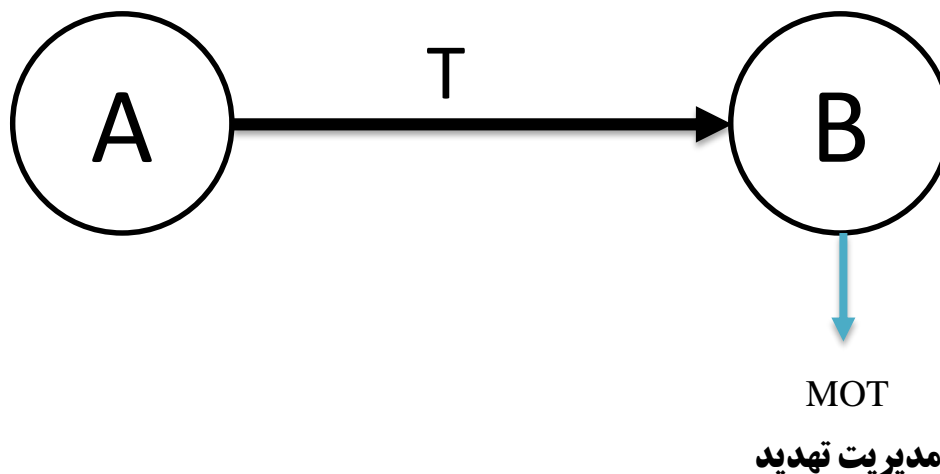
۳. **نظریه:** مجموعه ای از گزاره های منطقی که نحوه ی ارتباط میان دو یا چند متغیر را در ساختار و زبانی مشخص مبتنی بر پذیرش نسبی نخبگان آن حوزه ارائه می دهد.

۴. **نظر:** زیر مجموعه نظریه است اما پذیرش نسبی نخبگان را ندارد.

۵. **دیدگاه:** نظم و نسق نظریه و مبانی استدلال آن را ندارد.

تهدید: مخاطره نسبت به منافع.

مدیریت تهدید (Management of Threat :MOT): مجموعه سیاست هایی که به بازیگر امکان مهار، مقابله و یا تبدیل تهدید را می دهد.



گفتمان های امنیت

❖ امنیت سلبی

- تعریف: امنیت عبارت است از وضعیتی که در آن منافع بازیگر از سوی دیگر بازیگران یا مورد تهدید قرار نگیرد یا در صورت وجود تهدید امکان مدیریت آن برای بازیگر وجود داشته باشد.

عناصر امنیت سلبی

الف. تهدید گر

شاخص ها:

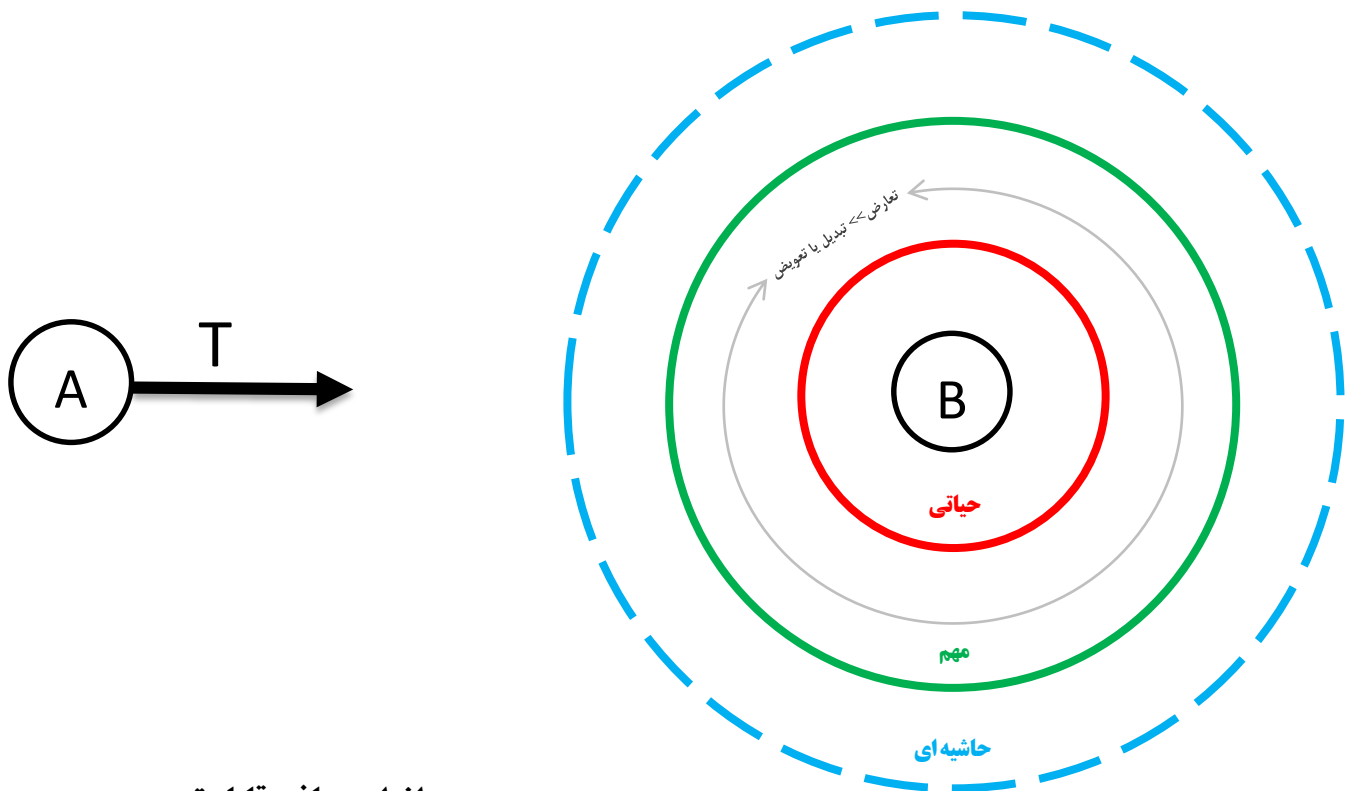
- میزان قدرت
 - خرده ملی: این تهدیدگران در داخل یک دولت- ملت شکل می گیرند، از انسجام داخلی برخوردار نیستند؛ بیش تر به دنبال تشکیل دولت هستند، در داخل مدیریت نشده اند.
 - ملی: حاکمیت ملی دارد، حاکمیتیش تا حوزه ی جغرافیایی خود است.
 - منطقه ای: از مرزهای ملی فراتر رفته است.
 - بین منطقه ای: در چند منطقه قدرت می شود.
 - بین المللی
 - جهانی
- شبکه ی ارتباطی
- اهداف: چیزی که به دنبال آن هستیم (چه چیزی می خواهیم؟). اهداف تألیف شده که در برابر انگیزه چهره ی عینی تری دارند، در برابر انگیزه چهره ی ذهنی تری دارند. مانند جلوگیری آمریکا از دستیابی ایران به انرژی هسته ای.
- انگیزه: چرایی انجام کار (چرا هدف را می خواهیم؟)؛ پیش برنده ی ما به سوی اهداف است در مثال آمریکا؛ هژمون بودن آمریکا در جهان. نکته ی قابل توجه آن است که پیوند میان انگیزه (Subjective) و انگیزه (Objective) در امور امنیتی مستقیم نیست بدین معنا که تحولات و پدیده های امنیتی در مقام تعریف و تأثیر از انگیزه های عاملان پیروی نمی کنند. به جهت وجود عوامل محیطی، ضرورتاً میان انگیزه، انگیزه و یا هدف و نتیجه رابطه ی مستقیم برقرار نیست.

* ارزیابی میزان تطابق میان نتیجه و هدف معیار سنجش پیروزی طرف عمل‌گر است.

ب. تهدید شونده

منافع: خیری که برای بازیگر مطلوبیت داشته، صیانت، ارتقا و یا گسترش آن را دنبال می‌نماید. (حال مهم نیست که این چیزی که بازیگر مطلوب می‌داند واقعا خیر است یا نه).

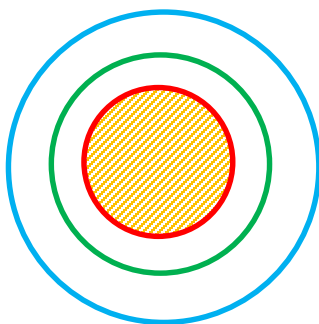
- حیاتی یا بنیادین: با هستی بازیگر در ارتباط هستند و بنابراین قابل چانه زنی و مذاکره نیستند.
- مهم: اولویت نخست در این گونه منافع تأمین می‌باشد (به سان منافع حیاتی) مگر در موارد ویژه که قابل تبدیل یا تعویض هستند؛ تعویض در وضعیت ناسازگاری با منافع بالادستی - حیاتی - و تبدیل در وضعیت ناسازگاری با منفعت مهم دیگری، معنا می‌یابد.
- حاشیه‌ای: منفعی که برای چانه زنی قرار داده می‌شوند. البته هرگز این منافع را حاشیه‌ای نمی‌نمایانیم.



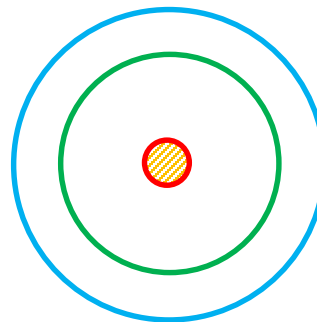
«انواع منافع قابل تهدید»

* دو نکته ی مهم در مورد منافع

الگوی مناسب انباشتگی منافع: حجم منافع از حاشیه ای به سوی بنیادین باید رو به کاهش باشد تا آسیب پذیری منافع به ویژه منافع حیاتی و مهم را کاهش دهیم؛ منافع حیاتی بیش تر برابر است با آسیب پذیری بیش تر و بر عکس منافع حاشیه ای بیش تر برابر است با آسیب پذیری کم تر. چون منافع بنیادین خیلی حساس هستند کوچک ترین آسیبی نسبت به آنها می تواند تهدید تلقی شوند. البته ممکن است دولتی به آن میزان قدرت به دست آورد که گستره ی منافع حیاتی خویش را افزایش دهد برای نمونه آمریکا که از میان بردن صدام برای گسترش هژمونی خود را نیز بخشی از منافع بنیادین خود تعریف کرد.



«الگوی نامطلوب»



«الگوی مطلوب»

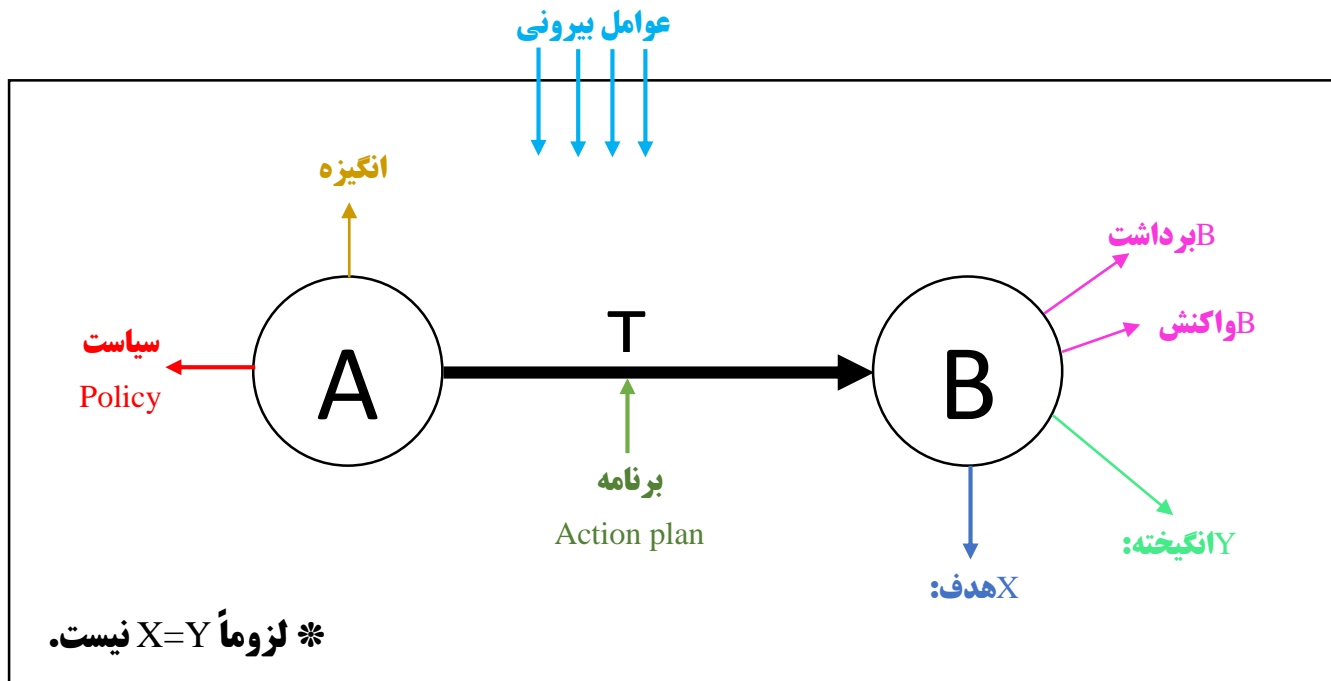
فلسفه ی وجودی منافع حیاتی، مهم و حاشیه ای نباید با هم آمیخته شوند. به سخن دیگر در بازشناسی منافع بنیادین، مهم و حاشیه ای نباید دچار اشتباه شویم. هرگز نباید پنداشت که ما باید منافع مهم و حاشیه ای خود را برای کم تر کردن امکان آسیب زایی منافع بنیادین بنمایانیم این یک خطرپذیری بزرگ است؛ باید منافع حاشیه ای را مهم بنمایانیم نه بنیادین؛ منافع بنیادین جایگاه آبروی بازیگر است.

سنجش قدرت یابی عامل تهدیدگر و موفقیت او به نسبت منفعتی که مورد تهدید قرار می دهد متفاوت است به دیگر سخن اگر تهدیدگر بتواند به منفعت حیاتی تهدید شونده آسیب برساند نسبت به هنگامی که به منفعتی حاشیه ای آسیب رسانده، قدرت بیش تری به دست آورده است.

* جمع بندی بحث منافع: تهدیدات از جنبه ی سلبی هم بسته به میزان اهمیت موضوع تهدید قابل درجه بندی هستند برای نمونه اولویت با رویارویی با تهدیدهایی که منافع بنیادین ما را هدف قرار می دهند است تا تهدیدهایی که منافع مهم ما را هدف قرار می دهند.

ج. محیط: (این عامل از نظریات سیستمی برگرفته شده است).

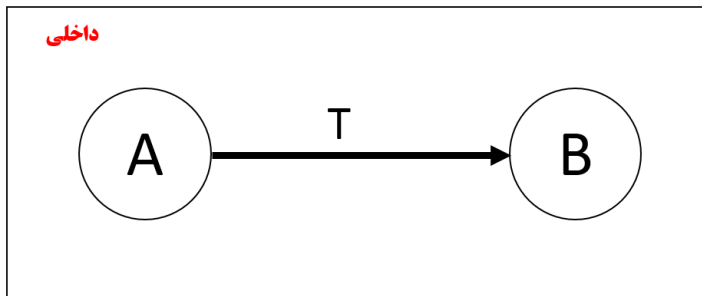
○ تعریف: عبارت است از مجموعه عناصر پیرامونی که به صورت سلبی یا ایجابی در تکمیل و کارآیی یک تهدید یا فرصت تأثیرگذار هستند. محیط عاملی پویا و زنده است.



○ دسته بندی:

. از جنبه ی قلمرو:

خارجی



«یک تقسیم بندی از محیط»

۱. داخلی
۲. خارجی: خارج نزدیک و دور.

. از جنبه ی ماهوی:

۱. سخت: جغرافیا (برای نمونه کشور ناهموار از دید جغرافیایی از محیطی با آسیب پذیری کمتر برخوردار است)، شکل جغرافیا (وضعیت ژئوپولتیک).
۲. نرم: مؤلفه‌های تقدیر تاریخی و ایدئولوژیک؛ پاره‌ای از مقدرات تاریخی برای نمونه نژاد، ساختار زبانی، ایدئولوژی و به طور کلی عناصر هویتی

○ تأثیر:

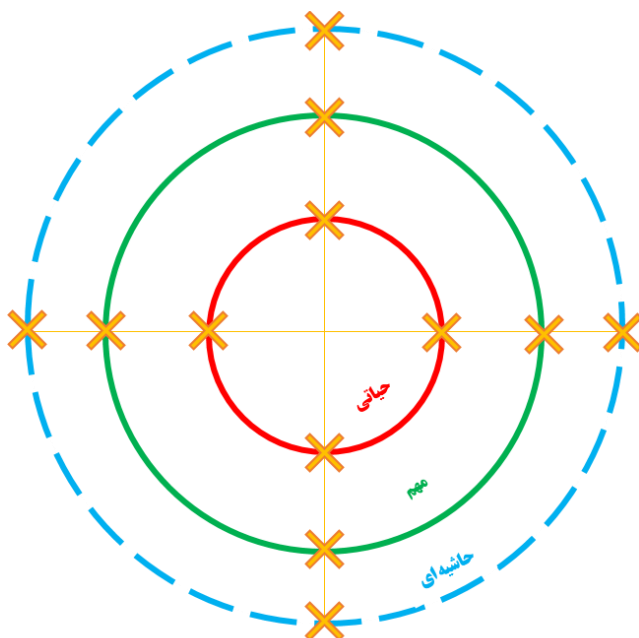
۱. نقش کاتالیزوری (شتاب بخشی): محیط می‌تواند تحولات امنیتی را شتاب بخشد؛ برای نمونه در محیط جهانی شده دگرگونی‌های اجتماعی با شتاب بیش‌تری نسبت به گذشته دگرگون می‌گردد.
۲. تحول ماهوی: محیط می‌تواند فرصتی را به تهدید و یا تهدیدی را تبدیل به فرصت کند.

○ حوزه‌های مدیریت محیط:

۱. مدیریت افکار عمومی: بازیگر باید بتواند افکار داخلی را با خود همراه کند و با این امر چه بسا بتواند تهدیدی را به فرصت تبدیل کند.
۲. دیپلماسی عمومی: افکار خارج از حیطه ی اثر دولت نیز برای دولت مهم است و باید تلاش کند آن‌ها را با خود همراه کند.

شبکه ی امنیتی

- **تعریف:** شبکه ی حاصل آمده از مناسبات میان منافع سه گانه.



«شبکه ی منافع»

- دلالت‌های امنیتی:

۱. اتصال: اتصال به معنای پیوند منافع با یکدیگر و اثرگذاری بر یکدیگر است. این اتصال به شما امکان می‌دهد که از تأثیرگذاری‌های منافع روی هم بهره‌برداری کنید بنابراین چنانچه بتوانیم به گره‌های امنیتی آسیب برسانیم نقطه‌ی امید نیست که حتی اگر نتوانیم به منافع حیاتی آسیب بزنیم، در جاهای دیگری می‌توانیم آسیب‌زا باشیم.
۲. سیر (جریان): فرصت‌ها و تهدیدها درون شبکه‌ی منافع در حال گردش هستند. پس حتی یک تهدید حاشیه‌ای نیز می‌تواند تأثیراتی بر منافع بنیادین داشته باشد برای نمونه تقویت دانش سکولار به عنوان یک تهدید که منافع مهم جمهوری اسلامی را نشانه گرفت اما نمودهای آن در ۱۸ تیر ۷۸ و حوادث ۸۸ منافع حیاتی جمهوری اسلامی - از جمله اسلامیت - را مورد آسیب قرار داد.

* فراگیری و جهان شمولی اسلام به معنای گسترده بودن منافع حیاتی اسلام نیست:

از میان امور حکمی (واجب و حرام آشکار)، تخییری، مکروه-مستحب و منطقه الفراغ تنها ساحت امور حکمی گسترده‌ی منافع حیاتی هستند.

تعریف تهدید در گفتمان سلبی امنیت: مخاطراتی که متناسب با اهداف و امکانات عامل در چارچوب شرایط و مقتضیات منطقه‌ای نسبت به منافع بازیگر هدف تعریف و طراحی می‌شوند. در گفتمان سلبی تهدید شناسی مهم‌ترین نکته است.

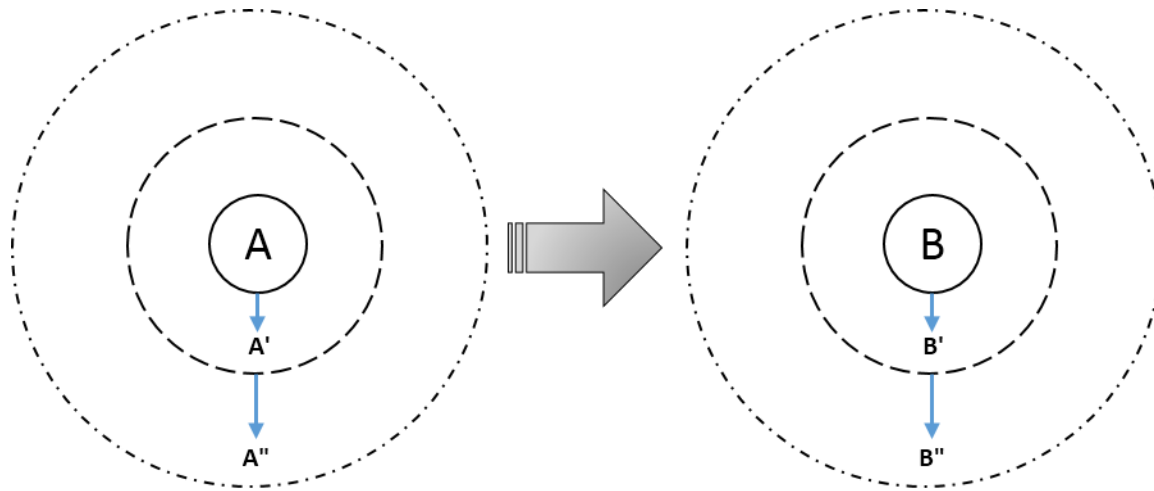
در نتیجه در گفتمان سلبی، امنیت به قدرت تقلیل پیدا می‌کند. در گفتمان سلبی امنیت و قدرت دو روی یک سکه به شمار می‌آیند و رابطه‌ی میان این دو رابطه‌ای مستقیم است. به دیگر سخن راهبرد امنیتی سفارش شده از سوی کارشناسان این گفتمان به صورت ساده عبارت است از افزایش قدرت به منظور افزایش میزان ایمنی.

سیاست بازدارندگی تابعی است از معادلات قدرت به تفصیل زیر:

۱. قدرت مانع و بازدارنده‌ی تهدیدات است.
۲. قدرت امکان مدیریت تهدید می‌دهد.

نقدها به گفتمان سلبی:

۱. ایجاد محذور امنیتی: گفتمان سلبی در مقام عمل مورد نقد واقع شده و با پدیده‌ای با نام «محذور امنیتی»^۱ روبه‌رو است.



«محذور امنیتی»

۲. نگاه دسته‌دومی (عرضی) به امنیت: در این گفتمان، در واقع امنیت تعریف نشده است بلکه به تهدید اصالت داده شده است. از همین روی بیش‌تر کارشناسان گفتمان سلبی کارشناس تهدید هستند تا کارشناس امنیت. نسل نخست نظریه‌پردازان این حوزه رئالیست‌های سنتی بودند.

۳. توجه کمتر به امور ذهنی و ارزشی و توجه بیش‌تر به امور عینی.

❖ گفتمان ایجابی امنیت

پیشینه‌ی تاریخی:

گفتمان ایجابی در انتقادات منتقدانی چون مارک سومر و جان گالینگ ریشه دارد. ایشان ادعا کردند که گفتمان سلبی قابلیت اداره‌ی امور امنیتی را ندارند اما این اندیشمندان نتوانستند گفتمان جایگزینی ارائه کنند.

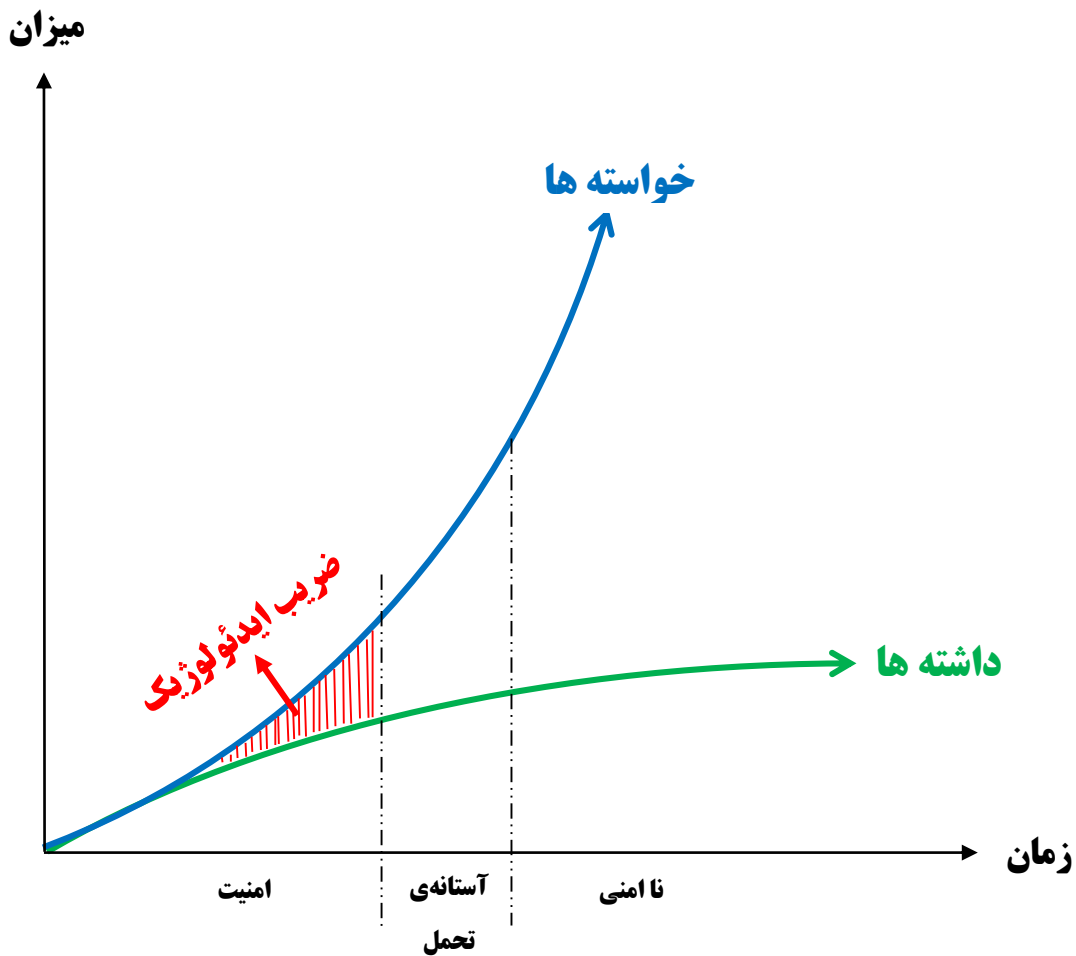
^۱ Security Dilemma: در پاره‌ای از موارد هنگامی که قدرت را در برابر یک تهدید افزایش می‌دهیم، این افزایش قدرت خود به افزایش ناامنی می‌انجامد و این تسلسل افزایش قدرت و افزایش ناامنی ادامه می‌یابد. نمونه‌ی این امر دوران جنگ سرد است.

گالینگ و سومر پیشنهادهای نوینی برای امنیت‌سازی ارائه دادند که البته این پیشنهادها را اصول می‌خوانند نه نظریه. این اصول برگرفته از طبیعت است و در برابر نظریات داروین مطرح گردید. نمونه‌ی این اصول دوازده گانه عبارت‌اند از:

- انطباق: انطباق با محیط موجب افزایش ایمنی می‌گردد.
- خود ترمیمی: برخی موجودات چون مارمولک توان خود ترمیمی دارند، این توانایی امری امنیت زاست.

آنان با این اصول می‌خواستند به این نتیجه برسند که «قدرت به تنهایی مهار امنیت نیست».

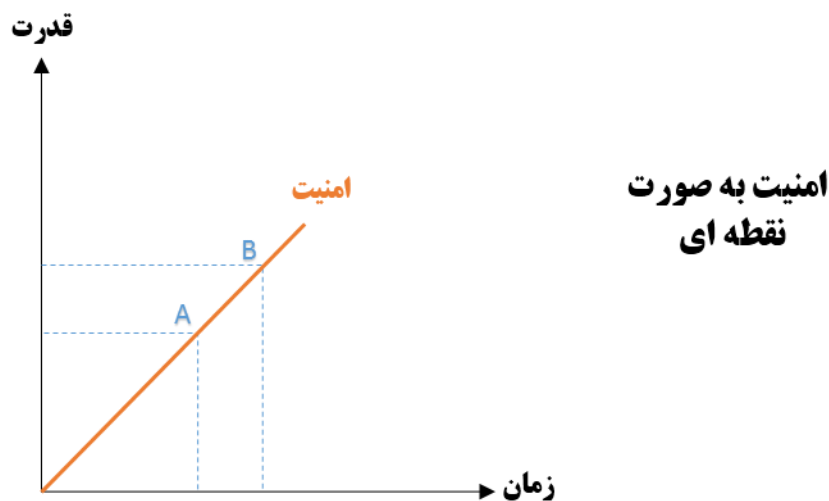
تعریف امنیت در دیدگاه ایجابی: نسبت میان خواسته‌ها و داشته‌ها در چارچوب ضریب ایدئولوژیک به گونه‌ای که در آن واحد سیاسی تولید رضایتمندی نماید. (امنیت=رضایت).



نظر خانم تد رابرت گار در خصوص چرایی شورش:

محرومیت نسبی – فاصله‌ی میان آنچه دارد و آنچه توقع دارد باشد- عامل بسیاری از شورش‌های مردم است.

نتیجه برگرفته شده از نظریه رابرت گار آن است که امنیت را یک **وضعیت** بدانیم در مقابل نگاه نقطه‌ای یا خطی. وضعیت یک نقطه نیست بلکه حوزه‌ای است که دارای سقف و کف است در نگاه وضعیتی کلیدواژه‌هایی چون توازن و تناسب را به کار می‌گیریم. پیش از گار نظرات عموماً بر آن بودند که امنیت امری نقطه‌ای و خطی است اما نگاه گار بر پایه‌ی نمودار اقتصادی L نگاهی وضعیت گونه به امنیت بود بر پایه‌ی این دیدگاه تناسب میان توقعات ذهنی و اهداف کسب شده نشان دهنده‌ی وضعیت امنیت یا ناامنی ماست.



سه مؤلفه‌ی امنیت در دیدگاه ایجابی:

۱. **خواسته:** مجموع نیازهایی که اولویت یافته و بازیگر جهت تأمین، نگاهداشت و ارتقای آن حاضر به هزینه‌کرد

منابع در اختیار می‌باشد.

ملاحظات امنیتی خواسته:

○ خواسته روندی فزاینده دارد. از همین روی محدود کردن خواسته‌ها هرچند در کوتاه‌مدت می‌تواند

امنیت‌زا باشد، اما این امنیت ناپایدار خواهد بود.

○ افزایش خواسته‌ها نباید به گونه‌ای انجام گسیخته باشد این امر از آن روی که دولت نمی‌تواند

خواسته‌های افزایش یافته را پاسخ دهد ناخرسندی ایجاد کرده و ناامنی را در پی دارد.

○ چهارگونه خواسته (ماتریس):

- از دید ماهوی: مشروع / نامشروع: شرعی.
- از دید شکلی: ممکن بودن / ناممکن بودن: منابع در اختیار امکان پاسخ به خواسته را می‌دهد.

مدیریت خواسته: برنامه ریزی جهت تأثیرگذاری در فرآیند ترتیبی تکوین، رشد و اظهار خواسته.



مدیریت ماهوی خواسته‌ها: خواسته‌ها باید به گونه‌ای مدیریت شوند و مردم به گونه‌ای تربیت شوند که خواستار خواسته‌های مشروع باشند.

مدیریت شکلی خواسته‌ها: مردم باید به گونه‌ای تربیت شوند که خواسته‌ها به گونه‌ای تدریجی افزایش یابند.

۲. داشته: مجموع پاسخ‌های ارائه‌شده به خواسته‌ها.

در نگاه‌های غربی صرف تأمین خواسته، داشته به شمار می‌آید. اما در نگاه ما پاسخ داده شده به خواسته‌ها، داشته است.

گونه‌های پاسخ:

۱. تأمین: در خصوص خواسته‌های مشروع و ممکن.
۲. اقتناع: در خصوص خواسته‌هایی که یا مشروع نیستند یا ممکن نیستند. در اینجا مرز میان امنیت و سیاست پدیدار می‌گردد. کارشناس امنیتی اقتناع را همواره مدنظر قرار می‌دهد حال آنکه اقتناع از مسئولیات کارشناس سیاسی نیست.
 - ✓ نظام‌های سیاسی که میان خود و جامعه فاصله می‌اندازند توان اقتناع را از خود می‌گیرند؛ ملت‌ها همواره دنبال آن نیستند که آنچه می‌خواهند را به دست بیاورند اما همواره دنبال اقتناع عقلی و استدلالی هستند.
۳. توجیه: در خصوص خواسته‌های مشروع، نامشروع، ممکن و ناممکن. ناکامی نظام سیاسی در پاسخ به نیاز خواسته شده و ناکامی‌اش در اقتناع، او را به توجیه (تسکین؛ همانند عذرخواهی یا استعفا و هم

چنین فریب) وامی دارد. امور توجیهی در کوتاهمدت ممکن است جلوی ناخرسندیها را بگیرد اما در بلندمدت پاسخگو نیست.

۴. سرکوب: اگر نتواند به سه گونه‌ی بالا پاسخ دهند.

ضریب نفوذ هر کدام از موارد بالا به ترتیب، سیر کاهشی دارد. (تأمین ضریب نفوذ بیش‌تری دارد، اقناع کمتر از تأمین و ...)

کارآمدی نظام سیاسی بر سه گونه‌ی پاسخ‌های نخست بالا دلالت دارد البته هرچه کارآیی تأمین‌اش نسبت به دو گونه‌ی پاسخ دیگر بیش‌تر باشد کارآمدی نظام سیاسی بیش‌تر است. هر قدر نظام سیاسی بتواند کارآمدتر باشد و بتواند به خواسته‌ها پاسخ گوید ضریب امنیتی جامعه را افزایش داده است.

۳. **ضریب ایدئولوژیک:** مجموعه‌ی اصول و یا گزاره‌هایی که به صورت پیشینی پذیرفته شده‌اند. وضعیت اعتبار و اعتماد پیشینی را ضریب ایدئولوژیک می‌گویند.

کارکرد امنیتی ضریب ایدئولوژیک: ضریب ایدئولوژیک مانع از واگرایی خواسته‌ها و داشته‌ها در واحد زمان می‌گردد و از این طریق برای مدیریت امنیتی تولید زمان می‌کند. به دیگر سخن مهم‌ترین کارکرد ضریب ایدئولوژیک زمان بخشی است. در سایه‌ی این زمان باید به مدیریت خواسته‌ها و یا کارآمدسازی نظام سیاسی همت گمارد.

دیدگاه امنیتی در مواجهه با ضریب ایدئولوژیک باید و نبایدی را تجویز می‌کند:

نباید: مدیران امنیتی نباید الگوی امنیتی را بر پایه‌ی ضریب ایدئولوژیک بنا نهد.

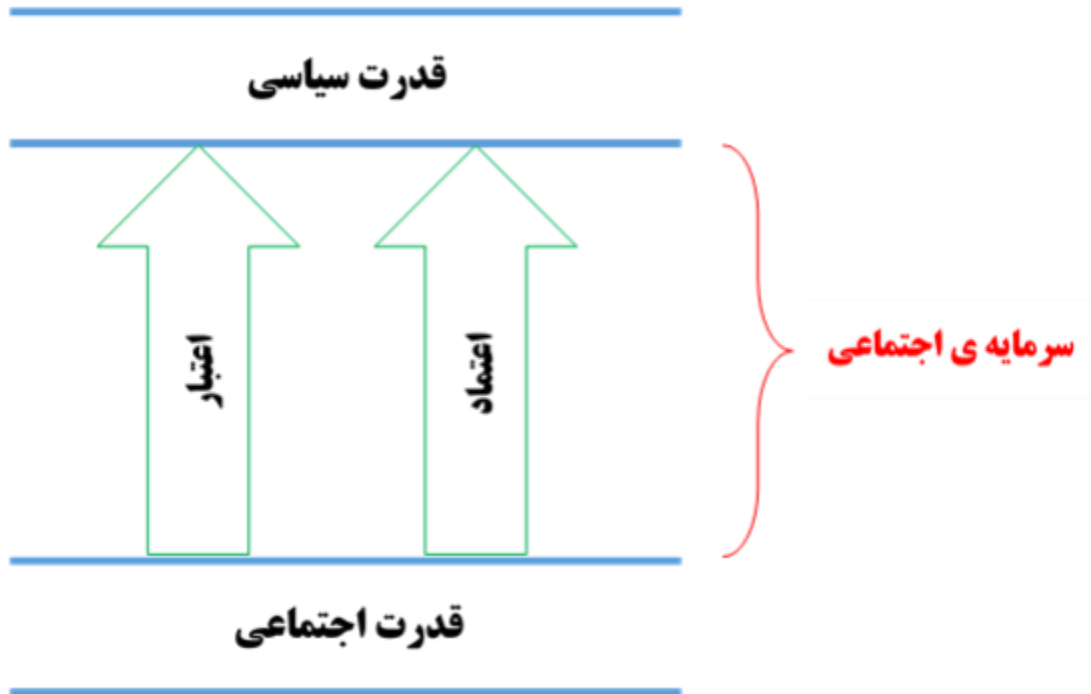
باید: مدیران کلان جامعه باید نسبت به تقویت و بازتولید (کاربردی‌سازی) ضریب ایدئولوژیک اقدام نمایند.

تفاوت سرمایه اجتماعی و ضریب ایدئولوژیک:

قدرت اجتماعی در دو حالت به قدرت سیاسی پیوند می‌یابد؛ این دو حالت عبارت‌اند از: اعتماد و اعتبار.

اعتبار: داشته‌هایی که گردش آن‌ها در جامعه اطمینان بخش است.

اعتماد: شاخص‌های اطمینان بخش چون فرهی و



جنس سرمایه‌ی اجتماعی از این دو امر است. اما ضریب ایدئولوژیک افزون بر دو امر پیش‌گفته موارد دیگری را نیز در بر دارد از جمله امور ارزشی و معرفت‌شناختی به مانند اعتقادات.

در اعتبار پیشینه‌ی قبلی وجود دارد. (مستند پیش از عملکرد)

در اعتماد پیشینه‌ی قبلی وجود ندارد و ممکن است از عوامل دیگری به وجود آید چون دوست داشتن، فرهی و ...

هم‌پوشانی اعتماد و اعتبار ممکن است اما این به معنای یکی بودن آن‌ها نیست.

اما اعتقاد دارای مولفه‌هایی ارزشی است و اساساً متفاوت از اعتبار و اعتماد است.

رابطه‌ی میان این دو عام و خاص مطلق است.

کارکرد این دو یکی است.

نسبت میان «علم و امنیت»:

گاهی علم امنیت‌زاست و گاهی علم امنیت‌زدا.

گاهی نیز نادانی امنیت‌زاست و یا بلعکس.

چگونگی شاخص‌سازی مؤلفه‌های یادشده:

خواسته‌ها: نظرسنجی. (برای نمونه در امریکا ده اولویت در مورد خواسته هر ساله در گستره‌ی ملی نظر سنجی می‌شود).

داشته‌ها: گزارش عملکردها.

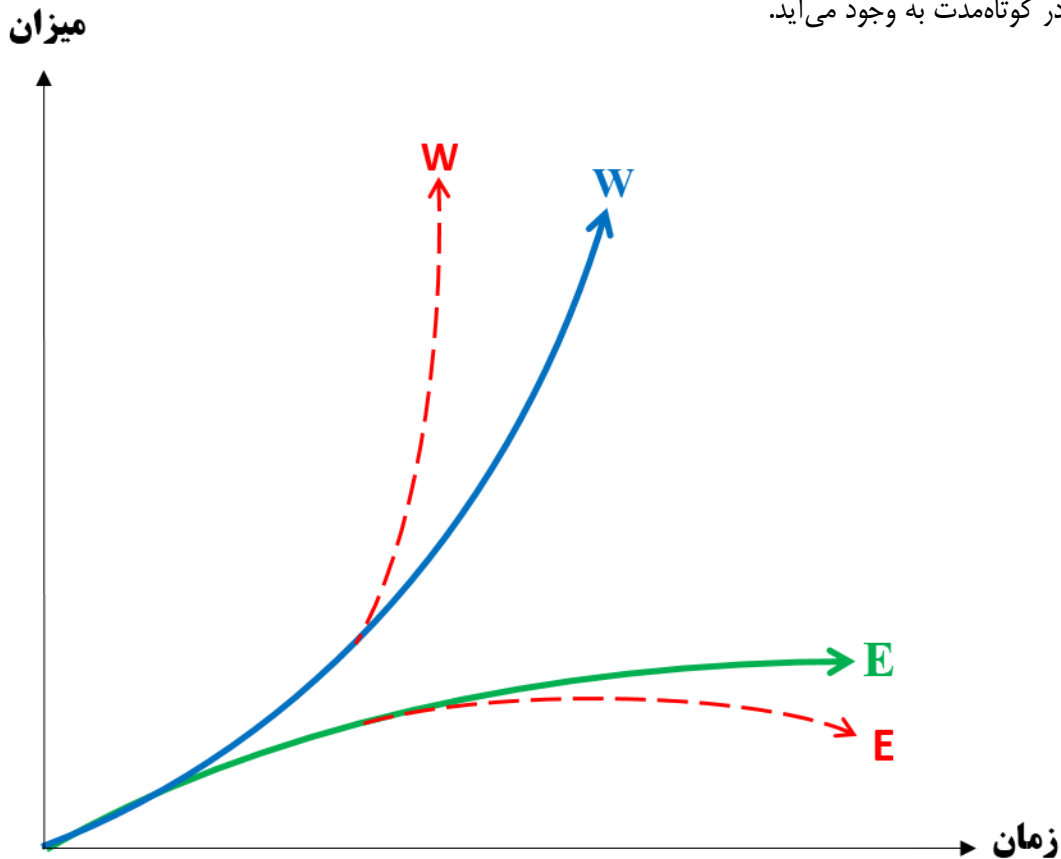
شاخص‌سازی ضریب ایدئولوژیک: برآورد کارشناسی میزان التزام عملی و ظواهر شریعت

$$S = \alpha \frac{E}{W} \quad \text{فرمول امنیت سنجی در دیدگاه ایجابی:}$$

امنیت ← (S) ضریب ایدئولوژیک ← (α) کارآمدی ← (E) خواسته‌ها ← (W)

فرآیندهای امنیت یا ناامنی بر پایه‌ی دیدگاه ایجابی:

۱. بدترین حالت یا زودترین گونه‌ی امنیتی: افزایش خواسته‌ها، کاهش داشته‌ها و ضعف ضریب ایدئولوژیک. = ناامنی در کوتاه‌مدت به وجود می‌آید.



۲. ثبات: هر سه مؤلفه به یک اندازه در حال افزایش است.

۳. بهترین حالت: خواسته‌ها به روال پیشین است، داشته‌ها رو به افزایش است و ضریب ایدئولوژیک در حال تقویت است = امنیت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت وجود دارد.

میان سه حالت بالا را می‌توان فرض‌های گوناگون در نظر گرفت.

در نگاه ایجابی با توجه به مؤلفه‌ی بیان شده می‌توان چنین استنباط نمود که وضعیت امنیتی هر جامعه‌ای را در چشم انداز آینده متناسب با فرآیندهای سه‌گانه‌ی مدیریت خواسته، افزایش کارآمدی، تقویت ضریب ایدئولوژیک در یکی از حالات الف) نامنی در کوتاه مدت، میان مدت، بلندمدت.

ب) افزایش امنیت در کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت

ج) ثبات

خلاصه نمود.

مزایای دیدگاه ایجابی:

۱. روندمندی: بنابراین می‌توان وضعیت امنیتی در زمان‌های گوناگون را مقایسه کرد.

۲. توان تجویز بالا

۳. دربرگیری وجوه گفتمان سلبی

* با فرض پذیرش گفتمان ایجابی، برای مدیریت تهدیدات عینی چه باید کرد؟ آیا گفتمان ایجابی به تهدیدات عینی توجه ندارد؟

پاسخ کوتاه: گفتمان ایجابی می‌تواند برای تهدیدات عینی تحلیل تجویز نماید.

جایگاه تهدیدات عینی در تجزیه و تحلیل گفتمان ایجابی:

مقدمه اول) در وضعیت تعارض منافع، چه شرایطی موجب می‌شود بازیگر B اقدام به تهدید بازیگر A می‌کند؟

- زمانی که بازیگر B مطمئن باشد میزان منافی که به دست می آورد، نسبت به هزینه هایش بیش تر باشد. (قانون هزینه-فایده) منافع ناشی از اقدام < هزینه های اقدام
- ریسک اقدام پایین باشد؛ از تحقق نتایج مطلوب خود تا حد زیادی مطمئن باشد. حمله ی نظامی علیه ایران از این بابت انجام نمی گیرد که ریسک اقدام بالاست نه از این جهت که قدرت نظامی ایران بالاست.

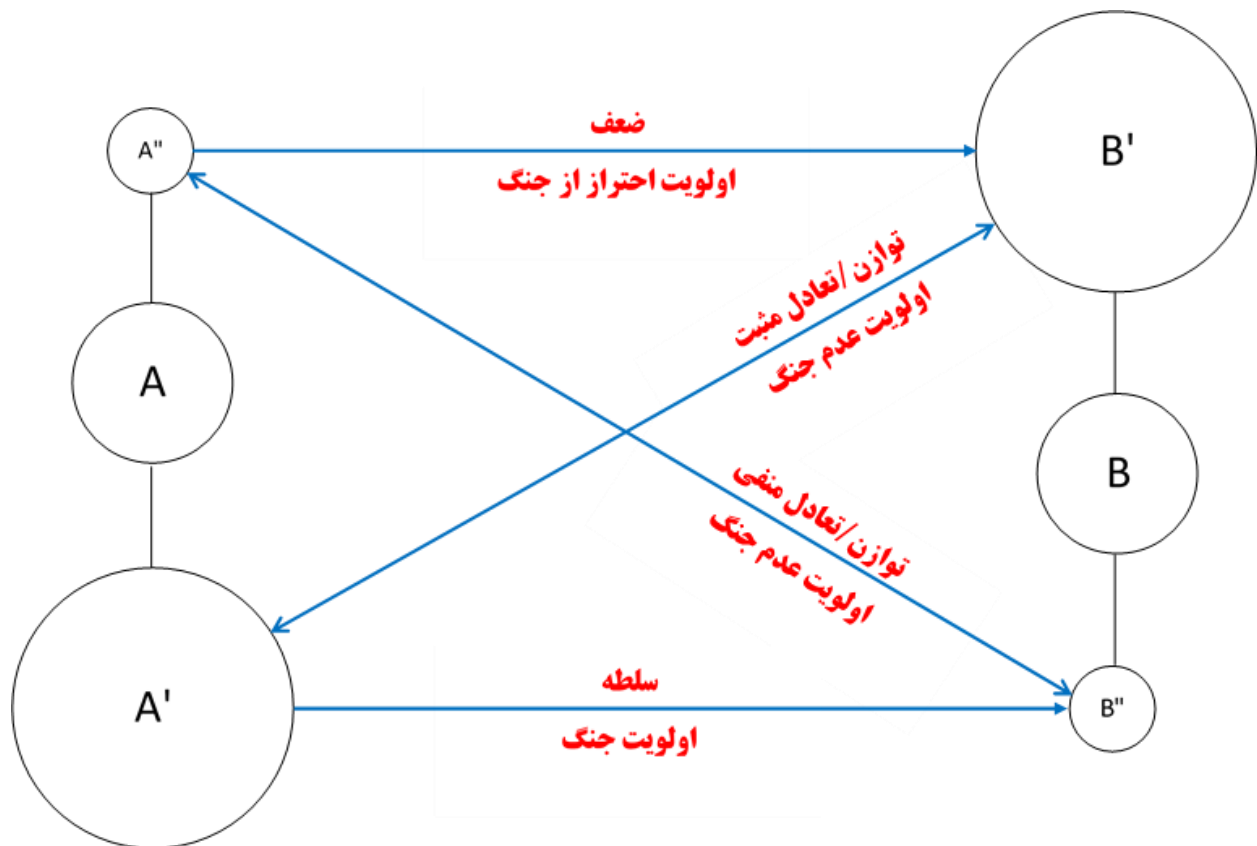
* در چنین شرایطی بازیگر قاعداً به سمت تهدید پیش می رود.

مقدمه دوم) نسبت بین واقعیت و تصورات چیست؟

واقعیت از جنس real است و جنس تصور image است.

ما در جهانی از تصورات زندگی می کنیم. همه ی تصمیم گیری های استراتژیک به یک تصور از پدیده ی مقابل وابسته است. رسیدن به حاق واقع ممکن نیست. تنها دریافت تصویری نزدیک به واقعیت امکان پذیر است.

هر اقدامی براساس تصویری از بازیگر مقابل و برآوردی از توان خود صورت می گیرد.



تصاویر را ما می سازیم.

تصویرپردازی ها:

- به تعبیر قرآن: **بنیان مرصوص**؛ تصویری محکم شکل می گیرد. ممکن است کم باشیم ولی قدرت بالایی داریم: کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة. یک نوع تصویر را باید خودمان تولید کنیم و یک نوع تصویر را خودمان از خود داریم. این جمله از امام خمینی که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، بر همین مبناست.
- به تعبیر قرآن: **بیت العنکبوت**؛ گاهی منابع قدرت زیادی داریم ولی ضعف نشان می دهیم. خانه ی عنکبوت دچار «وهن» است نه عدم قوت. جهان اسلام قدرت زیادی دارد ولی مقابل عده ی محدودی صهیونیست، ضعف نشان می دهد.

جمع بندی:

تهدیدات عینی تابعی هستند حداقل از دو تصویر:

تصویر بازیگر از خودش

تصویر بازیگر از بازیگر مقابل

پس در نگاه ایجابی، تهدید تقلیل پیدا می کند به تصویر.

ریسک همواره وجود دارد؛ لذا باید تلاش کرد تصاویر نزدیک به واقعیت (تصورات واقعی) به دست آورد.

در گذشته مرز میان تصویر و واقعیت معلوم بوده است. اما امروز ترکیبی از تصویر و واقعیت به وجود آمده است: تصویر واقعی.

